

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه جلسه گذشته

در جلسه گذشته بیان شد که علامه طباطبایی در تفسیر آیات مربوط به نسیان انبیا، مانند آیه «فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ وَمَا أَنَسَانِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ» و آیه «سَتَقْرُبُكَ فَلَا تَنْسَى إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ»، بیان می‌کنند که نسیان نسبت داده شده به یوشع بن نون، همراه حضرت موسی (علیه السلام)، به معنای تأثیر شیطان در مواردی است که به معصیت الهی مربوط نمی‌شود. ایشان معتقدند که انبیا در عصمت الهی از هرگونه تأثیر شیطان در موارد معصیت مصون هستند، اما ایذای شیطان در امور غیرمعصیت، مانند مشکلات یا گرفتاری‌های دنیوی، دلیلی بر منع ندارد.

اما حضرت استاد در تفسیر این آیات با استناد به محکومات قرآن، مانند آیه «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ»، تأکید می‌کنند که شیطان بر مخلصین، که انبیا و اهل بیت (علیهم السلام) از مصادیق آن هستند، هیچ‌گونه سلطه‌ای ندارد، نه در معصیت، نه در نسیان و سهو، و نه حتی در ایذاء. ایشان معتقدند که اراده تکوینی خداوند در آیه تطهیر، مبنی بر رفع مطلق رجس، شامل نسیان و سهو نیز می‌شود و این محکومات قرآنی مانع پذیرش هرگونه ایذای شیطان یا حتی اسهاء از جانب خداوند برای پیامبران و معصومان است.

نفی سهو النبی با تاکید بر آیات 39 و 40 سوره حجر

در آیات 39 و 40 سوره حجر، شیطان با اعتراف به ناتوانی خود در تأثیرگذاری بر "عباد مخلص" می‌گوید: «قَالَ رَبِّ بِمَا أُغْوِيَنِي لِأَزِينَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا أُغْوِيَنَهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ». این آیه نشان می‌دهد که عباد مخلص، که شامل انبیا و ائمه معصومین (علیهم السلام) به عنوان برجسته‌ترین مصادیق آن هستند، از هرگونه تزیین، اغوا، و تأثیر شیطان مصون‌اند. در این آیه، اغوا و تزیین تنها به معصیت محدود نمی‌شود، بلکه تمام اموری که موجب گمراهی انسان می‌شوند، از جمله خطا، سهو، یا نسیان، را نیز در برمی‌گیرد. تزیین شیطان به معنای جلوه‌دادن باطل در قالب حق است و تمام انواع گمراهی و انحراف، از جمله خطا و سهو، به نحوی نتیجه این تزیین یا اغوای شیطانی هستند.

سهو و نسیان، هرچند به‌ظاهر اموری تکوینی به نظر می‌رسند، عواملی بیرونی دارند که شیطان از طریق آن‌ها بر انسان تأثیر می‌گذارد، مانند غفلت ناشی از دنیاطلبی یا عوامل دیگر مانند لقمه حرام. این آیه به‌صراحت بیان می‌کند که عباد مخلص به‌طور مطلق از این تأثیرات در امان‌اند؛ بنابراین، سهو و خطا نیز به آن‌ها عارض نمی‌شود، زیرا این امور ناشی از اغوای شیطان یا عواملی است که در دایره سلطه او قرار دارد.

تزیین و اغوا از منظر قرآن، نه‌تنها به گناه و معصیت محدود نیست، بلکه شامل هر چیزی است که موجب گمراهی یا غفلت شود. شیطان با ایجاد مشغولیت‌های بی‌ارزش، انسان را از وظایف و امور مهم بازمی‌دارد و این غفلت به‌تدریج به سهو و نسیان منجر می‌شود. با این حال، مخلصین که نفس آن‌ها تحت تأثیر انوار الهی به مقام «نفس مطمئنه» رسیده است، از این عوامل تأثیرات به‌کلی دور هستند.

در آیات سوره ناس آمده است: «قُلْ أَعوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ﴿١﴾ مَلِكِ النَّاسِ ﴿٢﴾ إِلَهِ النَّاسِ ﴿٣﴾ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ﴿٤﴾» این آیات ما را به پناه بردن به خداوند از شر وسوسه‌گر خناس فرمان می‌دهد. «وسواس خناس» به موجودی اشاره دارد که با وسوسه‌های مداوم در دل انسان، او را به انحراف می‌کشاند. این وسوسه‌گر همان شیطان است، چرا که در ادامه آیه می‌فرماید: «الَّذِي يُوسُوسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ»

نفی سهو النبی با استفاده از آیات 82 تا 92 سوره انعام

در آیات ۸۲ تا ۹۰ سوره انعام، مطالبی عمیق در موضوع هدایت و امنیت برای بندگان خاص خداوند مشاهده می‌شود. خداوند در آغاز، می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ» [1]، که به‌طور مطلق از امنیت و هدایت برای مؤمنانی که ایمان خود را با ظلم آلوده نکرده‌اند، سخن می‌گوید. سپس این گروه را در ادامه، انبیاء و برگزیدگان الهی معرفی می‌کند، که مصداق کامل این آیه هستند.

آیه «وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ نَرَاهُ فَعْدَرَجَتْ مِنْ نَشَأٍ ﴿٢﴾ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ» [2] اشاره به حجت روشن خداوند دارد که به ابراهیم عطا شد و او را بر قومش غالب کرد. در ادامه، با ذکر نام انبیای بزرگوار مانند اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، یونس، لوط و دیگران، به مقام رفیع آنان و هدایت خاصی که خداوند برایشان مقرر کرده است، تأکید می‌کند: «ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ» [3]. این هدایت خاص، فراتر از هدایت عام است که برای همه مردم فراهم شده است؛ بلکه یک لطف ویژه الهی است که خداوند تنها به بندگان خاص خود اعطا می‌کند.

در تفسیر این آیات، بر امنیت مطلق انبیاء تأکید شده است. عبارت «أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ» نشان‌دهنده امنیتی فراگیر و بی‌نقص برای انبیاء است، به‌گونه‌ای که هیچ‌گونه معصیت، خطا یا نسیانی نمی‌تواند در وجود آنان راه یابد؛ زیرا هر یک از این موارد با امنیت مطلق منافات دارد. این امنیت نه تنها محدود به قیامت نیست، بلکه در همین دنیا نیز شامل حال انبیاء است، و آنان در همه ابعاد وجودی خود تحت هدایت و امنیت الهی قرار دارند.

در ادامه آیه 88 خداوند می‌فرماید: «وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» که این نکته برجسته می‌شود که حتی کوچک‌ترین انحراف، در تضاد با مقام نبوت و هدایت خاص الهی قرار دارد. همانطور که در آیه شریفه «لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» نیز خداوند چنین خطایی به پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دارد.

در این آیات، خداوند ویژگی‌های برجسته بندگان خاص خود را بیان می‌کند: «أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ» [4]، این‌ها کسانی هستند که خداوند به آن‌ها کتاب، حکم و نبوت عطا کرده است. سپس می‌فرماید: «فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيُؤْثِرُوا بِهَا كُفْرَينَ» [5]، اگر دیگران این نعمت‌ها را انکار کنند، خداوند اقوامی را جایگزین می‌کند که به این نعمت‌ها کافر نیستند.

از مطالب مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، عصمت انبیا در سه زمینه برداشت می‌شود:

۱. آیات مربوط به عصمت در تلقی وحی و تبلیغ رسالت، مانند آیه: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً...» [6].

۲. آیات مربوط به عصمت از گناه، مانند آیه: «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ» [7].

۳. آیات دال بر عصمت مطلقه، که شامل عصمت از خطا و نسیان نیز می‌شود.

وی در برخی موارد، سهو و نسیان را با عصمت مطلق منافاتی نمی‌دانند، اما این آیات، از جمله «اولئک لهم الامن» و «اولئک الذین هدی الله»، امنیت و هدایت مطلق را بیان می‌کنند که هرگونه سهو و نسیان را نیز نفی می‌کند. این امنیت مطلق با عبارت

«اولئک لهم الامن» به گونه ای مطلق و جامع مطرح شده و دلالت آن حتی قوی تر از عباراتی نظیر «اولئک الذین هدی الله» است.

در این زمینه، اشاره به فرمایش پیامبر اکرم (ص) که «تنام أعینهم و لا تنام قلوبهم»، بیانگر این است که حتی در حالت خواب نیز قلب پیامبر از اطراف خود آگاه است. این ویژگی با امنیت مطلق انبیاء کاملاً هماهنگ است. نسیان، که به معنای فراموش کردن یا غفلت از امور است، با امنیت مطلق الهی منافات دارد؛ زیرا ایمن بودن از هرگونه آسیب، شامل مصونیت از نسیان نیز می شود. بنابراین، هدایت و امنیت خاصه الهی که در این آیات بیان شده، دلالت بر عصمت مطلق انبیاء دارد و سهو و نسیان را نیز نفی می کند.

آیه «أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ» در سوره انعام، به وضوح بر امنیت مطلق تأکید دارد که خداوند به انبیا عطا کرده است. این امنیت، شامل تمام مراتب زندگی انبیا می شود؛ امنیت از گناه، خطا، سهو و نسیان. دلالت آیه بر این است که انبیا از هر نقص و آسیبی که بتواند هدایت الهی آنان را خدشه دار کند، مصون هستند.

محکات و متشابهات در تفسیر قرآن

آیات قرآن به دو دسته محکات و متشابهات تقسیم می شوند. آیه «أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ» از محکات است که معنای روشن و قاطع دارد. از سوی دیگر، آیاتی مانند «فَنَسِيًا حُوتَهُمَا» [8] یا «إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسْنِيَ الشَّيْطَانُ...» [9]، از متشابهات اند که ظاهر آنها ممکن است دلالت بر نقص داشته باشد. متشابهات باید در ذیل محکات تفسیر شوند، به گونه ای که تعارضی میان آنها وجود نداشته باشد.

نسیان در آیاتی مانند «فَنَسِيًا حُوتَهُمَا» به معنای ترک التفات یا عدم سؤال است و نه فراموشی به معنای عرفی. این تفسیر با عصمت انبیا و اطلاق امنیتی که آیه «أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ» بیان می کند، سازگار است. بر این اساس، نسیان یا غفلت به معنای عرفی، با امنیت مطلق که خداوند برای انبیا مقرر کرده است، منافات دارد.

خداوند در آیه «فَبِهْدَاهُمُ اقْتَدِهْ» پیامبر اسلام (ص) را به اقتدا به هدایت انبیا امر می کند. این امر دلالت بر این دارد که هدایت انبیا کامل و عاری از هرگونه نقص است. هدایت کامل مستلزم عصمت مطلق انبیا در همه امور، چه دینی و چه دنیوی، است.

بنابراین در تفسیر قرآن، آیات محکات مانند «أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ» و «فَبِهْدَاهُمُ اقْتَدِهْ» باید ملاک قرار گیرند. آیاتی که ظاهر آنها دلالت بر نقص یا اشتباه در انبیا دارند، باید در ذیل محکات معنا شوند. برای مثال، آیه «لِيَغْفَرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ» [10] نباید دلالت بر گناه پیامبر برداشت شود، بلکه باید بر اساس امنیت و عصمت مطلق تفسیر گردد.

بیانات حضرت استاد پیرامون اهمیت اعتکاف ماه رجب

فردا، روز ولادت با سعادت مولی الموحدين، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه آلاف التحية و الثناء) است که با شروع ایام البیض و اعتکاف در مساجد مصادف شده است. این اعتکاف که در ماه مبارک رجب برگزار می شود، فرصتی ویژه برای قرب به خداوند و اصلاح رابطه انسان با پروردگار است.

کسانی که موفق به حضور در اعتکاف می شوند، از نعمت های عظیمی برخوردار خواهند شد. نقل شده است که در روز سوم اعتکاف، خداوند انواری ویژه در قلب معتکفین قرار می دهد و برکات عجیبی بر آنان نازل می شود. این ایام، زمانی برای خودسازی است و فرصتی بی نظیر برای طلب مغفرت، توکل به خدا و نزدیک شدن به اوست.

در اعتکاف باید بین خود و خداوند اصلاح کرد. هرچند انسان ممکن است احساس کند به خدا نزدیک شده، اما هر چه بیشتر در این مسیر پیش می رود، به ضعف و ناتوانی خود در برابر عظمت الهی بیشتر پی می برد. از خدا باید خواست که طعم عبادت و

لذت بندگی را در دل انسان قرار دهد، تا از هر کوتاهی در انجام وظایف عبادی، عمیقاً آزرده شود و خسارت‌های معنوی را درک کند.

از جمله دعا‌هایی که باید در اعتکاف داشته باشیم، درخواست فهم آیات الهی است. اینکه قرآن را درست بفهمیم و معارف آن در قلب ما نهادینه شود. حسرت اینکه عمر سپری شود و حتی یک آیه از کلام خدا را نفهمیده باشیم، نباید ما را رها کند. باید از خداوند بخواهیم که نور معارف قرآن را در دل ما جای دهد و ما را در مسیر فهم و عمل به حقایق آن یاری کند.

یکی از وظایف مهم در این زمان، حفظ نظام مقدس جمهوری اسلامی است که به تأسی از تعالیم امام خمینی (ره)، باید با تمام توان در برابر دشمنان مقاومت کنیم. نباید از تهدیدها و هیا‌هوی دشمن وحشت کنیم، بلکه باید قوی‌تر و مصمم‌تر در مسیر حفظ اسلام و تقویت آن گام برداریم. دعا برای مقاومت‌گران در برابر رژیم صهیونیستی نیز واجب است تا خداوند آنان را در ریشه‌کن کردن این غده سرطانی یاری کند.

همه باید برای تقویت دین اسلام و رفع مشکلات جامعه، به‌ویژه معیشت مردم، دعا کنیم. اگر دین قوی شود و مردم به آن پایبند باشند، بسیاری از مشکلات مادی و معنوی نیز برطرف خواهد شد. از همه افرادی که در مراسم اعتکاف شرکت می‌کنند، ملت‌مس دعا هستیم و از خداوند می‌خواهیم که بهترین بهره را از این فرصت معنوی ببرند.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

پاورقی

- [1] قرآن: سوره انعام، آیه 82.
- [2] همان، سوره انعام، آیه 83.
- [3] همان، سوره انعام، آیه 88.
- [4] همان، سوره انعام، آیه 89.
- [5] همان، سوره انعام، آیه 89.
- [6] همان، سوره بقره، آیه 213.
- [7] همان، سوره انعام، آیه 90.
- [8] همان، سوره کهف، آیه 61.
- [9] همان، سوره ص، آیه 41.
- [10] همان، سوره الفتح، آیه 2.

منابع

قرآن کریم